

آمریکا، ونزوئلا و برنامه‌ی "ترویج دموکراسی" *

متن مصاحبه‌ی جونا گیندن با ویلیام ی. رابینسون (بخش اول) / مترجم : سودا ثانی / وبلاگ قادر /

۱۷ آوریل ۲۰۰۹

منبع: <http://www.opendemocracy.net/Open Democracy News Analysis>

سوم اگوست ۲۰۰۵

به نقل از وبلاگ قادر: [/http://ghaader.blogfa.com](http://ghaader.blogfa.com)

ابزارهای سیاست خارجی ایالات متحده از سالهای ۱۹۸۰ تاکنون تغییرات جدی کرده است. منافع و علائق آن بعد از "فروپاشی" کمونیسم در ۹۱-۱۹۸۹ کمابیش همانست که بود، اما مکانیسم‌های دستیابی به آن‌ها همواره در حال تحول بوده اند. این تحولات خود را در قالب تفکرات و برنامه ریزی‌هایی که سال‌های آخر جنگ سرد را شکل داد نمایان کرد. از سال‌های اولیه دهه هشتاد، در اثنای کمپین علیه نیکاراگوئه‌ی ساندینیست‌ها، سیاست‌گذاران ایالات متحده شروع به آزمایش استراتژی "ترویج دموکراسی" نمودند. این البته بگفته ویلیام ی. رابینسون حسن تعبیریست معادل "امنیت ملی" و یا "مبارزه با تروریسم". وی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا بارباراست و از سالهای ۱۹۸۰ ناظر این ایده و خط مشی بوده و خط سیر آن را دنبال کرده است.

رابینسون ابتدا بعنوان روزنامه نگار و سپس بعنوان ادیتور آژانس خبری نیکاراگوئه (۱) در سالهای ۸۷-۱۹۸۰ شروع به کار کرد. پس از آن، در سالهای ۹۰-۱۹۸۷ مشاور وزارت خارجه نیکاراگوئه در امور سیاست خارجی ایالات متحده بوده است. وی شاهد مداخله مستقیم ایالات متحده در انتخابات ۱۹۹۰ نیکاراگوئه بود و بعدها همه آن را در کتاب "سودای فاوستی: مداخله ایالات متحده در انتخابات نیکاراگوئه و سیاست خارجی آن در عصر پسا جنگ سرد" مستند نمود و سپس تئوریزه شدن این تغییر محور در سیاست خارجی آمریکا و گسترش آنرا در اکناف دنیا دنبال کرد. کوشش‌های وی در کتاب "ترویج حکومت پولیاریشی (۲): گلوبالیزاسیون، مداخله ایالات متحده و مسئله هژمونی" به اوج خود رسید.

فیل آجی، مأمور سابق سیا، در مصاحبه‌ی او با سایت Venezuelaanalysis.com مداخله ایالات متحده در انتخابات ۱۹۹۰ نیکاراگوئه را هم‌طراز اعمال همان مدل مداخله در ونزوئلا در حال حاضر دانست.

بسیاری از سازمان‌های آمریکائی در ونزوئلا درگیر شده اند منجمله "مرکز اعطای ملی برای دموکراسی" (۳) و زیر مجموعه هایش: انستیتوی بین‌المللی جمهوریخواهان (۴)، مرکز بین

المللی اقتصاد آزاد(۵)، و سولیداریتی سنتر اتحادیه های آ. اف. ال - سی آی او(۶)، ان دی آی و آی ار آی، که همگی دفاتری در کاراکاس دارند. همین گروه‌ها همراه با آژانس توسعه بین المللی آمریکا - یوسید(۷) و یک شرکت خصوصی مقاطعه کار آن، بنام شرکت بین المللی آلترناتیوهای توسعه(۸) هستند که اپوزیسیون سیاسی ونزوئلا را به لحاظ مالی تغذیه می‌نمایند. شاید بهترین شاهد مثال در "جامعه مدنی" گروهی موسوم به سومیت(۹) باشد که مدیر آن، ماریا کورینا ماچادو در ۳۱ مه به کاخ سفید دعوت شد که با پرزیدنت بوش ملاقات کند؛ افتخاری که هنوز نصیب پرزیدنت هوگو چاوز نگشته است! اما سومیت تنها قسمت پیدای کوه یخ است: بسیاری از احزاب سیاسی و سازمانهای غیر دولتی وطن پرست اعانه‌هایی از آن‌ها و نیز از کانالهای دیگر دریافت می‌کنند که در چارچوب کوشش‌های همه جانبه آمریکا در براندازی هوگو چاوز و نابودی "انقلاب بولیواری" وی قرار می‌گیرد.

رابینسون در کتاب "ترویج حکومت پولیاری" مینویسد: "برخلاف سیاست پیشین ایالات متحده در امر مداخله گری، سیاست جدید به مراتب بیشتر بر روی خود جامعه مدنی کشور های مورد مداخله متمرکز است تا بر ساختمان دولتی رسمی شان." این مدل جدید مداخله سیاسی "تأکیدش بر ایجاد نیروهائی در جامعه مدنی این کشورهاست که همدست جریانات غالب در داخل ایالات متحده و نقاط گرهی سیستم سرمایه داری جهانی باشند".

جونا گیندن: آیا بسط دموکراسی ذاتا عملی امپریالیستی است؟

ویلیام رابینسون: خیر، ترویج دموکراسی در ذات خود ادا امپریالیستی نیست. بالعکس، حتی عملی انقلابی، پیشرو و عالی است! اما آنها که دموکراسی را ترویج میکنند نهضت‌های اجتماعی در جهان شمال و جنوب هستند؛ جنبش همبستگی در شمال و جنبشهای توده‌ای در جنوب. آنچه ایالات متحده در ونزوئلا و یا جاهای دیگر ترویج مینماید، دموکراسی نیست، سیاست خارجی ایالات متحده است، مطلقا ربطی به گسترش دموکراسی ندارد و ذاتا امپریالیستی است.

اما بحث من به هیچ وجه این نیست که جنبش‌های دموکراتیک در اکناف جهان، محصولات سیاست خارجی آمریکا هستند، برعکس، بحث این است که چرخش سیاست خارجی و شیوه‌های جدید آن در خدمت چالش، به تحلیل بردن، محدود نمودن و کنترل دامنه گسترش تغییرات اجتماعی و سیاسی در کشورهائی است که توده‌های مردم و نیز نخبگان درگیر مبارزه برای آزادی اند.

از این نظر، مداخله سیاسی ایالات متحده تحت پرچم "گسترش آزادی" با هدف تخریب آزادی واقعی، کسب قدرت کنترل نهضت‌های مردمی برای دموکراسی، حد نهادن بر این نهضت‌ها و محدود نمودن هرگونه تغییری است که توسط این جنبش‌های مردمی آزادیخواهی کسب میشوند تا پی آمدهای مبارزه برای آزادی، سیستم برگزیدگان و یکپارچگی و پیوستگی سرمایه داری جهانی را تهدید نکند.

اگر آزادی به مثابه قدرت گیری مردم، شرکت توده‌ها در تصمیمات حیاتی جامعه و توزیع دموکراتیک منابع مادی و معنوی تلقی گردد، آنگاه این امر به معنای تهدیدی عمیق برای منافع سرمایه داری جهانی شمرده شده و میبایست توسط آمریکا و نخبگان فراملیتی بیرحمانه سرکوب شود. عنصر تازه در استراتژی "ترویج دموکراسی" این است که این مخالفت و سرکوب اکنون زیر عنوان بدیع "بسط دموکراسی" و با استفاده از وسائل و کیفیت‌های پیچیده و نوین مداخله سیاسی هدایت میشود.

جونا گیندن: چگونه میتوان بین ان جی او ها و گروه‌های حقوق بشر واقعی که حقوق اجتماعی، اقتصادی، و حقوق انسانی را ترویج می‌نمایند، و سازمان‌های رنگارنگی که توسط "ند" ("مرکز اعطای ملی برای دموکراسی") تغذیه میشوند تمییز قائل شد؟

ویلیام رابینسون: فکر میکنم آنچه میگذرد عبارت است از اینکه به نسبتی که کشورها و جوامعی به لحاظ حضور سرمایه داری جهانی از هم می‌پاشند، به همان درجه اشکال قدیمی‌تر حکومت‌های - استبدادی، دیکتاتوری - مشروعیت خود را از دست داده و توسط توده‌ها به چالش کشیده میشوند و درست به همین لحاظ است که ایالات متحده قصد دارد کنترل نوع تغییرات سیاسی را که روی می‌دهند در دست گرفته و اطمینان حاصل نماید که گروه‌های معینی قدرت بگیرند و دیگران به حاشیه رانده شوند. بنابراین وقتی ایالات متحده به کشوری مانند قرقیزستان یا اکراین میرود، همه گروه‌های مختلف درگیر مبارزه برای دموکراسی در آن کشور مورد بررسی اش قرار میگیرند؛ برخی شان انتخاب میشوند که از طریق امکانات مالی، فنی و مشاوره پشتیبانی شوند و بقیه حذف میشوند.

سه نوع از این گروه‌ها را میتوان تمییز داد:

- اول - آنهایی که بوضوح عوامل اجرای اهداف سیاست خارجی آمریکا هستند، دسته‌جاتی که میکوشند دموکراسی را محدود و تغییرات را کنترل نمایند.
 - دوم - آنها که نشود خریدشان، به حاشیه رانده میشوند.
 - سوم - آنها که آمریکا نمیتواند یا علاقه ای ندارد که ایشان را به حاشیه براند و یا چالش شان کند، اما کوشش میکند با ایشان همکاری نموده و معتدلشان سازد.
- اغلب مواقع عناصر خوش نیتی هم پیدا میشوند که در عین حال صاحب برنامه سیاسی مشروعی برای آزادی هستند و به دلیل آنکه سازو کار و یا شرایط موجود اجازه کار دیگری را نمی‌دهند، جذب عملیات سیاست خارجی آمریکا و قدرت‌مداران فراملیتی میشوند.

جونا گیندن: ایالات متحده در چه کشورهائی بدنبال "ترویج دموکراسی" است؟

ویلیام رابینسون: دو دسته بسیار متفاوت از این برنامه‌ها وجود دارد؛ یکی برنامه‌های مخصوص کشورهائی که در حال حاضر توسط نخبه‌گان اداره میشوند و در اردوی سرمایه داری جهانی قرار دارند. در این کشورها، برنامه‌های مداخله سیاسی در خدمت تقویت نئولیبرال‌هاست تا جائیکه به کنترل دولت دست یابند و هژمونی خود را بر جامعه مدنی تأمین نمایند. تقویت این نخبه‌گان نئولیبرال و تأمین اقتدار ایشان، آن بعد سیاسی است که بعد اقتصادی را تکمیل میکند که عبارت باشد از تطابق ساختاری نئولیبرالی و وحدت آن با اقتصاد سرمایه داری جهانی عصر حاضر. این نوع برنامه‌ها در دهه‌ها کشور مختلف به اجرا در آمده‌اند. هدف دیگر این برنامه‌ها آنست که نیروهای محبوب مردم، وطنپرستان، انقلابیون و دیگر نیروهای مترقی که ممکنست رژیم‌های مسلط و تثبیت شده نئولیبرال یا نخبه‌گان محلی طرفدار آمریکا را به چالش بطلند را منزوی نمایند.

نوع دوم "ترویج دموکراسی"، براندازی رژیم‌هائی است که ایالات متحده علاقه‌ای به آنها ندارد و یا ایجاد یک دولت گذار به دموکراسی در کشورهائی که واشینگتن "تغییر رژیم" را برای ثبات آن کشورها و انضمام آنها به سرمایه داری جهانی ضروری میبیند. هائیتی یکی از کشورهائست که ایالات متحده در سالهای اخیر تلاش کرده با استفاده از برنامه "ترویج دموکراسی" بی ثباتش نماید. دسته‌جات و عناصری که در حال حاضر در قدرت اند در برنامه بی ثبات کردن حکومت ژان برتراند اریستید شرکت داشتند، آنها از اواخر سالهای ۱۹۸۰ از طریق برنامه "ترویج دموکراسی" آمریکا مکشوف و تا زمان کودتای مارس ۲۰۰۴ آمریکا در هائیتی بطور دائم تحت حمایت آن قرار داشتند.

در مواردی دیگر، کشورهائی هدف برنامه "گذار به دموکراسی" قرار میگیرند که برنامه‌ای تحت حمایت آمریکائی‌هاست و اغلب بانی جایگزینی و جابجائی ساختار حکومتها و دولتها بوده است. آفریقای جنوبی و کشورهای اروپای شرقی در دهه ۹۰ و نیز وضعیت موجود در عراق در این کاتگوری قرار دارند.

جونا گیندن: رابطه "ند" (مرکز اعطای ملی برای دموکراسی) و دولت آمریکا چیست؟

ویلیام رابینسون: ارتباطات بسیار نزدیکی وجود دارد. این حقیقت که "ند" بودجه خود را از کنگره آمریکا دریافت میکند هنوز نزدیکترین رابطه نیست. عملیات "ند" در وزارت کشور و کاخ سفید و اغلب در هماهنگی با سازمان سیا طراحی میشوند که همه در هماهنگی کامل با سفارتخانه‌های آمریکا در محل می‌باشد. مقاماتی که این عملیات بر عهده‌شان قرار داده میشوند، نوعاً تیپ‌هائی هستند که در روابط ادواری با دولت ایالات متحده بوده و مرتباً مشاغل دولتی‌شان را تغییر میدهند.

مبارزه بر سر جامعه مدنی جهانی است و روز بروز بدلیل اینکه دیگر هیچ کشوری در جهان نمانده که سرعت در سیستم جهانی داخل نشده باشد داغتر هم میشود. ونزوئلا یکی از آنهاست که در صف مقدم این مصاف قرار دارد.

کانالهای علنی کمک‌های مالی از طریق عملیات "ند" - که البته کاملاً هم آشکارا نیستند- شالوده‌ای از تماس‌ها، شبکه‌های ارتباطی، و کانالهای نفوذی ایجاد می‌نماید که نهایتاً برای عملیات و کمک‌های مالی مخفیانه در دسترسند. این الگوئیست که در همه جا می‌بینیم. در زمان انتخابات ۱۹۹۰ نیکاراگوئه، در برابر هر یک دلار بودجه از "ند" و یا "یوسید"، چندین دلار بودجه از سازمان سیا می‌آید. این تنها نوك کوه یخ بود که ما توانستیم افشایش کنیم.

فکر میکنم نقطه ضعف نیروهای مترقی در سراسر جهان در اینست که دینامیسم سیاسی دنیای معاصر را صرفاً بعنوان تقلاهای درون امپراطوری ایالات متحده می‌بینند. سپس، داستان عبارت میشود از "آمریکا علیه بقیه دنیا"، و این اشتباه عمیقی است. یکی از مفاهیم کلیدی جهانی سازی، ظهور يك الیت فراملیتی است که منافعش در کوشش برای حفظ نظم موجود سرمایه داری جهانی، دفاع از آن و گسترش آن است. این الیت هم چنین بر سر اینکه "ترویج دموکراسی" برای پیشبرد و تثبیت نظم موجود حیاتیست، اتفاق نظر دارد. ممکن است که تفاوت‌های تاکتیکی و یا استراتژیکی در چگونگی انجام آنها دیده شود مثلاً در مسئله عراق. در ونزوئلا هم آن را مشاهده میکنیم:

اروپای غربی، کانادا و بیشتر حکومت‌های آمریکای لاتین مایلند چاوز از قدرت بیفتد و قدرت برگزیده‌گان اعاده گردد. اما در مورد شیوه انجام آن نظرات متفاوتی دارند.

تا بدین‌جا، استراتژی آمریکا وسیعاً پس زده شده است. بنابر این تفاوت‌های تاکتیکی و استراتژیکی وجود دارند اما منافع مشترك هم بین دولتهای سرمایه داری هدایت کننده موجود است.

ادامه دارد

۱ - Nueva Nicaragua Agencia

۲- پولیارشی (حکومت چند تنی)، نوعی دولتی مردمی مبتنی بر دموکراسی است که اولین بارتوسط رابرت دال، استاد دانشگاه ییل، در کتاب "مقدمه‌ای بر تئوری دموکراتیک" در سال ۱۹۵۶ آورده شد. این تئوری در طی دهه‌های گذشته تحولات بسیار داشته و اکنون با آنچه در ابتدا بوده متفاوت است. این تئوری یکی از پایه‌های نظری سیاست خارجی ایالات متحده را تشکیل میدهد.

۳ - National Endowment of Democracy : <http://www.ned.org>

International Republican Institute: <http://www.iri.org/> - ٤

Center for International Private Enterprise: <http://www.cipe.org/> - ٥

AFL-CIO's Solidarity Center: <http://www.solidaritycenter.org/> - ٦

about_usaid US Agency for International Development: <http://www.usaid.gov> - ٧

Development Alternatives International: <http://www.dai.com/> - ٨

/ Sumate: <http://www.sumate.org> - ٩

*این متن که قسمت اول ترجمه ای طولانی تر است، طبق برنامه اولیه میبایست قریب یک ماه پیش در اینجا به چاپ می رسید. اما علیرغم تاخیر در انجام این کار، به خاطر لزوم توجه فعالین جنبش چپ و کارگری به محتوای افشاگرانه آن و بنابراین مانایی ارزش هایش، کماکان طبق برنامه و در چند قسمت به چاپ می رسد. با تشکر از رفیق ثانی که ترجمه کامل این متن را در دستور خود گذاشته و پوزش از خوانندگان قادر.